

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳
 بسم الله الرحمن الرحيم
 این کتاب به مناسبت روز پزشک تقدیم می‌گردد
 چاپ اول: ۱۳۹۵
 چاپ دوم: ۱۳۹۶
 چاپ سوم: ۱۳۹۷
 چاپ چهارم: ۱۳۹۸
 چاپ پنجم: ۱۳۹۹
 چاپ ششم: ۱۴۰۰
 چاپ هفتم: ۱۴۰۱
 چاپ هشتم: ۱۴۰۲
 چاپ نهم: ۱۴۰۳
 چاپ دهم: ۱۴۰۴
 چاپ یازدهم: ۱۴۰۵
 چاپ چهاردهم: ۱۴۰۶
 چاپ پانزدهم: ۱۴۰۷
 چاپ شانزدهم: ۱۴۰۸
 چاپ هجدهم: ۱۴۰۹
 چاپ نوزدهم: ۱۴۱۰
 چاپ بیستم: ۱۴۱۱

معنوی

گزیده آثار

حاج میرزا خلیل هادیان طبائی زواره

www.ketab.ir

شابک	978-964-8741-82-7 :
شماره کتابشناسی ملی	۲۹۸۹۵۱۰ :
عنوان و نام پدیدآور	گزیده اشعار معنوی/ میرزا خلیل هادیان طباطبائی زواره؛ به اهتمام سیدعلی هادیان طباطبائی زواره.
مشخصات نشر	تهران : آوردگاه هنر و اندیشه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۰۴ص.
موضوع	شعر فارسی-- قرن ۱۲
موضوع	Persian poetry -- 20th century
رده بندی دیویی	۸۹۱/۶۲
رده بندی کنگره	۱۳۹۶/۱۶۱۳۷۱الف/ PIR۸۲۹۹
سرشناسه	هادیان طباطبائی زواره، میرزاخیل، ۱۳۶۶ - ۱۳۵۷ .
شناسه افزوده	هادیان طباطبائی زواره، سیدعلی، ۱۳۲۲ -، گردآورنده
وضعیت فهرست نویسی	فبا :

گزیده اشعار معنوی: حاج سید خلیل هادیان، طباطبائی زواره

به اهتمام: سید علی هادیان طباطبائی زواره

ویراستاری و متن زیرنویس: سید جمال هادیان طباطبائی زواره

طراحی جلد و صفحه آرایی: سید علی فاطمین

با سپاس از شاعر ارجمند: محمود حبیبی کسبی

چاپ: نخست، زمستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۳۰۰ جلد

چاپ : خانه فرهنگ و هنر گویا

ناشر : آوردگاه هنر و اندیشه

شابک : ۷-۸۲-۸۷۴۱-۹۶۴-۹۷۸

فهرست اشعار

- در توحید حضرت باری تعالی / ۱۸
- خدایا به رحمت دلم شاد کن / ۱۹
- سر بر خلائق گواه وجودند / ۲۰
- مشایخ شبی است بعثت خود آشکار کرد / ۲۲
- در مدح دینایان امیرمومنان / ۲۳
- جز علی نیست غیفت / ۲۴
- چون ربیع اسم بهر است سعید آمده است / ۲۵
- شد عید و خوشا عید که شد یدر یاران / ۲۶
- مجلس بساز و شمع برافروز و گل ریز / ۲۶
- حُبّ ولای تو شرط روضه رضوان / ۲۷
- ای بلبل جان چونی اندر قفس تنها / ۲۹
- ما جز رضای دوست نجویم عافیت / ۳۰
- فصل زمستان و زیارت حضرت سلطان / ۳۱
- پند پیر خرد به گوش نیوش / ۳۴
- برون از مکمن غیب آی یک دم جلوه‌ای بنما / ۳۵
- شد جهان خرم که صلح کل پدیدار آمده / ۳۶
- در نصیحت رئیس ملت و حُسن رفتار با عشیرت / ۳۶
- کوکب ما رونق خورشید زد / ۳۸

خواب گردیده پری من آهن / ۴۰
 الا دهر أف بر تو و هم وفات / ۴۱
 باقرآباد که بُد صاحب آب تسنیم / ۴۳
 در شرح حال و سختی و صعوبت وطن پر ملال / ۴۷
 در وصف دنیا و گرفتاران در این عاریت سرا / ۴۹
 اقویا خلی ضعیفان به شب و روز خورند / ۵۰
 بیا و از سر خود این بشر غرور به در کن / ۵۱
 از ما بگریزید که تا سیر پانگیم / ۵۳
 به زیارت بشدم جانبِ قیستان / ۵۳
 قرآن ز عرش ایزد است امرِ خدای / ۵۴
 به کچو عیان آمده مسجدی / ۵۷
 چون به قم شد طلوع روح الله / ۵۸
 در توصیف یغمای جندقی / ۵۹
 در وصف استاد سید محمد محیط طباطبائی / ۶۰
 بر علما فرقت او شب رسید / ۶۲
 ز مهر چشمه روان کرد همچو شیر و شکر / ۶۳
 فرصت از دست مده وقت سحر با معشوق / ۶۵
 شد گذارم به مسجد سامع / ۶۶
 به بحر علم طبابت یگانه غواصی است / ۶۷
 در باغ جهان بنگر شهری شده اردستان / ۶۸

- ما جز رضای دوست نجویم عافیت / ۶۹
- آفتاب ار کس نبیند نقص اوست / ۷۰
- بر باد فنا رفته همه سنت و آداب / ۷۱
- این قصه بلا غصه بخوانید و بگویید / ۷۳
- توصیه به دقت در تفسیر قرآن / ۷۴
- بی‌همت‌عالیت بر از فکر من / ۷۵
- سه‌تار ثانی و وحیدی است / ۷۶
- رو از درخت علمه‌گیر و بهره‌بر / ۷۷
- ای تو را رفعت به چیهان چون سپهر و آفتاب / ۷۸
- به حسن میمنت عید همان ترم بزم آرا / ۷۹
- شکر خدا که رهبر خود را شناسد / ۸۱
- از قلمی گر خطا رفت ز لطف مرنج / ۸۲
- تاب هجران تو را لرزاده کی دارد نگر / ۸۳
- طرح یک سوال فقهی درباره حدیث ... / ۸۳
- پاسخ مرحوم اصغر جمالی / ۸۴
- بهتر از گنج زر و سیم بود نام نکو / ۸۵
- ظلم به پایان رسید و عدل به سامان / ۸۶
- امامی لقب گشته نامش حسن / ۸۷
- ره نیکوان گیر و آبرار جو / ۸۹
- طایر قدسی نشیمن کرد نزد قدسیان / ۹۰

ای محبّانِ وطنِ ای اهلِ کاشانِ الوداع / ۹۱

فقدانِ یثربی دلِ ما را داغدار کرد / ۹۲

به کاشان و فین گشتمی رهسپار / ۹۳

در وصفِ باغِ فینِ کاشان / ۹۵

در مدحِ بابل و مردمانش / ۹۷

باغِ ملّی بابا و گردش و تفریح در آن / ۹۷

گردش در شت‌در در دانه کوه دماوند / ۹۸

در دستگیری از سربو / ۹۹

عید نوروزت مبارک بارانِ یامتِ سعید / ۹۹

عید است و مبارک بود این عید و تحویل / ۹۹

نوروز مبارک به تو باد ای گُهرِ پاک / ۱۰۰

کیفیت حج واجب / ۱۰۰

روزگار وداع / ۱۰۰

حقش داده چنین قدرت که آرد روح اندر تن / ۱۰۱

از دمِ عیسی و شت دادی شفا / ۱۰۲

ای تو چون عیسا طیبِ روحِ ما / ۱۰۲

چه پایان عمر است وقتِ رحیل / ۱۰۳

شجره‌نامه شاعر / ۱۰۴

سراغاز

زواره شهری - سر آرییده در بستر کویر، شهری که با ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی خویش شهرور شده است؛ شهری با تاریخ دیرینه که در دل خویش هزاران حکایت گفته و نگفته دارد. شهری که روزگاری به دلیل کثرت سادات طباطبائی، مدینه ساداتش می‌خواندند و امروز نیز یکی از شهرهای اصیل، با معماری و فرهنگ و با منحصربه‌فرد، به شمار می‌آید. این شهر رویدادهای عجیب و غریب به خود دیده و از کوران همه آنها جان سالم به در برده است.

به روایت تاریخ، مردم این شهر چندبار کوچیده‌اند چنانکه امروز مشهور است هر تیره و طایفه‌ای از سادات طباطبائی در هر کجای ایران که سکونت دارند حاصل مهاجرت از شهر تاریخی مدینه السادات زواره هستند.

در حمله مغولان به ایران، مردم این شهر، بعد از مقاومت در برابر متجاوزان، مورد تحریم آب و غذا واقع شدند و ساکنان آن، که اغلب از

تبار سادات طباطبائی بودند، از طریق تونل‌های زیرزمینی گریختند و به دیگر شهرها کوچیدند. گاهی این مهاجرت‌ها معکوس نیز بوده‌اند، چنانکه پس از فتنهٔ افغان چند خانواده‌ای که اصالتاً زواره‌ای و در دربار صفوی نیز مناصبی داشتند از اصفهان به زواره مهاجرت کردند اما بعد از این ماجرا نیز، تا چند نسل متمادی، همچنان آمد و شد بزرگان این خانواده که اغلب از اهالی علم و فضل و فقه بودند به اصفهان ادامه داشت.

یکی از بزرگان این خانواده مرحوم حاج میرزا کاظم، فردی عالم و فقیه بود و از او کتابی با عنوان «جنگ‌نامه باقی مانده است که اینک در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. میرزا کاظم همان فردی است که دختر خویش را در عقد ازدواج طلبهٔ جوان و فقیری در حوزهٔ علمیه اصفهان (همان که در تاریخ فقاقت به سید رشتی یا سید شفتی مشهور است) درآورد. سید رشتی بعدها صاحب درجات و مراتب فضل و فقه شد و بنای مسجد سید اصفهانی را پایه‌گذاری کرد. فرزند ارشد حاج میرزا کاظم، حاج میرزا هادی نامیده می‌است که نام خانوادگی خانوادهٔ هادیان برگرفته از نام اوست. حاج میرزا هادی نیز چون پدر و اجداد خویش مردی وارسته و فقیهی بزرگوار بود که به سאלهٔ عملیهٔ او در دسترس است و در زواره او را به بزرگی و دانش و درایت می‌شناخته‌اند و در حقیقت او بزرگ خاندان خانوادهٔ هادیان طباطبائی در زواره است.

و اما مرحوم حاج میرزا خلیل هادیان طباطبائی زواره متخلص به «معنوی» نوهٔ پسری حاج میرزا هادی است که در فروردین سال ۱۲۶۶

شمسی چشم به جهان گشود و دوران کودکی و نوجوانی را در زادگاهش، زواره، در مکتب‌خانه «حاج ملاحسین نامی» به فراگیری علوم رایج زمان، به‌ویژه قرائت و تجوید قرآن پرداخت. او چون اسلاف خویش و به تأسی از آنها به همین مقدار بسنده نکرد و برای تکمیل مراتب علمی و بینش دینی به اصفهان رفت و در درس علمای تراز اول اصفهان چون آیت‌الله ابراهیم و آیت‌الله درچه‌ای شرکت کرد. از همان ابتدا به شعر، این میراث دیرین ایرانی علاقه داشت و گاه و بی‌گاه طبع‌آزمایی نیز می‌کرد.

سید خلیل‌الله پس از سر و سامان دادن به کارهای تجاری و ازدواج، هر محفل ادبی و علمی را غنیمت می‌شمرد و با ادبا و عرفای شهر و دیار خویش و شهره‌آفاق طراف، عراوده و مجالست داشت. یکی از این جلسات در امامزاده یحیی یا حسینیه بزرگ زواره برقرار بود که علاوه بر مرحوم معنوی، سید ابراهیم فناء (یدر اصفهان محیط طباطبائی) و وکیل‌السادات نیز در آن شرکت می‌کردند. در این جلسات علاوه بر بحث و تبادل نظر درباره شعر شاعران بزرگ ایران با مباحث و امثله و صرف میر و چگونگی قرائت و بیان صحیح وزن و قوافی شعر، به ویژه شعر شاعرانی چون نظامی و شاه نعمت‌الله‌ولی، آشنا می‌شدند.

سید خلیل علاوه بر بهره‌گیری از محضر مرحوم سید ابراهیم فناء از محضر مرحوم سید محمدعلی حقایق، از دانایان روزگار خویش نیز کسب فیض کرد.

مفقود شدن دفتر سروده‌های دوران جوانی مرحوم معنوی خُسران بزرگی برای این شاعر دلسوخته بود. به گفته خودش این دفتر در سفر مشهد مقدس ناپدید شد و علی‌رغم جست‌وجوی بسیار هرگز پیدا نشد. او

که در جوانی به «خلیل» تخلص می‌کرد بعد از این ماجرا تلاش می‌کرد برخی از اشعاری را که به خاطر دارد از بر بخواند و با کمک دوستان شاعرش تصحیح کند.

او بعد از مفقود شدن دیوانش به «معنوی» تخلص می‌کرد و در اغلب قالب‌های شعری از قصیده و مثنوی و غزل تا ترجیع‌بند و ترکیب‌بند طبع آزمایی کرده است. از بررسی اشعار او چنین برمی‌آید که گاه آنقدر غرق در محتوا و موضوع می‌شده که آنچنان که باید در قید و بند قافیه و نظم بوده و گاهی کلیشه‌های معمول را درهم می‌شکسته است. «ترجیع‌بند با تراب» که در وصف مزرعه باقرآباد گفته شده از اشعار معروف اوست به همین حالتی دارد. در این ترجیع‌بند علاوه بر تکرار بند مشترک و یکسان در هر بخش، یک مصرع با قافیه متفاوت نیز وجود دارد و این همه از انشایهای مرحوم معنوی و خروج از چارچوب‌های رایج شعری است. حتی در میان اشعار او با شعرهای بدون قافیه یا با اوزان مغشوش و غیرعادی نیز مواجه می‌شویم.

بخشی از اشعار مرحوم معنوی در قالب اخوانیه است. نامه‌های دوستانه‌ای که به شکل نظم یا نثر بین شعرا مبادله می‌شده بدین اشعار بازتاب اندیشه‌ها، آرمان‌ها و الگوهای مختلف میان نویسندگان در طول روزگاران بوده است. مرحوم معنوی با برخی از دوستان شاعر خویش چون محمدحسن صفایی، سید یحیی مدنی، اصغر جمالی، رفیعی مهرآبادی، فتوحی و استاد حسین لُرزاده در قالب اخوانیه مکاتبه داشته است. این اخوانیه‌ها گاه در قالب تبریک اعیاد و مناسبت‌ها و گاه در قالب سوال و جواب دربارهٔ یک موضوع مورد مناقشه علمی صورت گرفته است.